

سرشناسه: استادی، کاظم، ۱۳۵۴ -
 عنوان و پدیدآور: قانون منحوس: از سلطنت محمد رضا پهلوی تا تصویب قانون کاپیتولاسیون / کاظم استادی.
 مشخصات نشر: قم: تولید و پخش کتاب ارزشمند، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: ۶۲۰ ص.؛ مصور، عکسی، نمونه.
 فروست: گزیده تاریخ معاصر ایران ۱۳۵۷ تا ۱۳۲۰ (با تأکید بر سال ۱۳۴۳)
 شابک: 978-600-97394-7-9 شابک دوره: 978-600-97975-1-6
 یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیرنویس،
 موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی - ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷
 موضوع: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷
 موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی - روحانیت - اسناد و مدارک
 موضوع: محمد رضا پهلوی، شاه ایران، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۹
 موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸
 موضوع: کاپیتولاسیون
 رده بندی کنگره: ج ۱، ۵۴۲:انف / ۱۵۰۱ DSR
 رده بندی دیویی: 955/0822



مجموعه «گزیده تاریخ معاصر ایران»

قانون منحوس

(از سلطنت محمد رضا پهلوی تا تصویب قانون کاپیتولاسیون)
 کاظم استادی

ناشر: تولید و پخش کتاب ارزشمند
 چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷ ش / شمارگان: چهارصد نسخه
 چاپ: یاران / طرح جلد: کاظم استادی
 آدرس پستی: ایران - قم - شهداء - کوچه ۲۳ - پلاک ۱۶/۱
 کد پستی: ۳۷۱۸۵ - ۴۵۵۳۷
 تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۵۴۱ - ۰۲۵۳۷۷۴۳۵۴۱
 این نسخه، مشروط بر عدم نسخه برداری فروخته شد

کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد منتشر شد
 قیمت دوره چهار جلدی
 یا جلد نرم: یکصد و بیست و پنج هزار تومان

تقدیم به
به روح بلند حضرت امام خمینی

www.Ketab.ir

فهرست اجمالی مطالب

۹	پیشگفتار
۳۳	فصل اول: پیش از نهضت امام خمینی
۹۵	فصل دوم: آغاز نهضت امام خمینی
۱۶۷	فصل سوم: هیأت‌های مؤتلفه اسلامی
۲۸۵	فصل چهارم: ۱۵ خرداد و اوج مبارزات
۳۵۵	فصل پنجم: حسنعلی منصور
۴۰۱	فصل ششم: آزادی امام و ادامه مبارزات
۴۲۹	فصل هفتم: کاپیتولاسیون
۵۳۳	فصل نهم: تبعید حضرت امام
۶۱۱	فهرست تفصیلی مطالب

پیشگفتار

سال هزار و سیصد و شصت و نه شمسی، توفیق الهی یار شد و با خانواده محترم شهید حاج صادق امانی همدانی، وصلت کردم. فرزند گرامی شهید حاج صادق امانی، چند ماه پس از این وصلت، (چون دستی بر قلم داشتم و قبلاً نیز کتبی از حقیر منتشر شده بود)، از بنده خواستند تا «دیوان اشعار» و کتاب «فهرست موضوعی»^۱ بنویسم. نوشته حاج صادق امانی را منتشر نمایم؛ و همچنین، جدای از آن آثار شهید ریز پذیرفتم، شرح حال و اسناد حاج صادق امانی را نیز تنظیم و در دسترس عموم مردم قرار دهم.

این پیشنهاد را بدون درخواست و چشم‌دست مالی و بدون دریافت هیچ هزینه‌ای پذیرفتم، و مشغول جمع‌آوری اسناد، کتب و مصاحبه با برخی افراد مرتبط با این شهید عزیز شدم. پس از شش ماه تلاش بی‌وقفه و صرف عمر گرانبه، کتابی را در هشت فصل و پنج ضمیمه با عنوان فرعی «گزیده تاریخ معاصر ایران، هشتاد و سه سال شرح حال شهید حاج صادق امانی» فراهم آوردم؛^۲ عنوان اصلی روی جلد کتاب را نیز «سبب بخشی از سخنرانی رهبر معظم ایران در همان ایام»، و با خیال اینکه اقدام ترور حسنعلی

۱. سی صفحه شرح حال حاج صادق امانی؛ حدود ۳۰۰ صفحه پیرامون هشت مؤلفه و کایتولاسیون و جریان ترور منصور؛ و حدود دویست صفحه تصاویر و اسناد و منابع. جمعاً ۵۶۰ صفحه وزیری.

۲. «خشونت یعنی چه؟ خشونت یعنی کشتن، کتک زدن، زندانی کردن، بد اخلاقی کردن، تندی کردن. خشونت، یک امر واضح و یک معنای بدیهی است... اسلام درباره مسأله خشونت نظر روشن و واضحی دارد. اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده؛ اما در مواردی که «خشونت قانونی» باشد، آن را نفی نکرده است. ما دو گونه خشونت داریم: یک خشونت

متصور، استاد شرعی داشته، «خشونت قانونی» گذاشتم. این اثر، پس از ملاحظه چند نفر از اعضاء و علاقمندان هیئت مؤلفه اسلامی و با مقدمه‌ای از حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، به سال ۱۳۸۰ منتشر شد.^۱

مقدمه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

انقلاب اسلامی ایران از جمله مهمترین و بزرگترین رویدادهای قرن بیستم و تاریخ، ماصر محسوب می‌شود. این اهمیت، ایجاب می‌کند که نویسندگان، محققان و تاریخ‌نگاران متعهد و دلسوز، برای ثبت و ضبط دقیق وقایع، حوادث و علل و اسباب، شبه‌های رویدادهای این مقطع حساس تاریخ ایران و انتقال آن به نسل جدید، نسبت به جمع‌آوری، تنظیم و تدوین خاطرات و اسناد مربوط به این امر، بیشتری از خود نشان دهند.

مطالعه، تحقیق و تدوین اسناد، خاطرات و آثار به جای‌مانده از افرادی که در بحبوحه وقایع تاریخ انقلاب اسلامی آگاهانه نقش آفرین بوده‌اند، از ضرورت‌ها برای تاریخ‌نگاری صحیح منطبق با واقعیات است.

مرور خاطرات تلخ و شیرین مقطع پرفراز و نشیب و در عین حال غرورآفرین و تاریخ‌ساز دوران مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تداعی‌کننده سابقه همسنگری با شهید بزرگوار حاج صادق امانی سمره‌ا‌ن‌ش در ذهن اینجانب است. در شرایط سخت و دشوار سیاسی، اجتماعی مبارزه با رژیم تا دندان مسلح پهلوی، و دستگاه مخوف امنیتی آن زمان، شهید جان صادق امانی و هم‌زمانش در جمع مبارزان، افرادی شجاع، متعهد و معتقد به مبارزه بودند و ثابت‌قدم، مشقات آن دوران را تحمل کردند و نهایتاً جمعی از آنان شهادت دادند.

قانونی است؛ یعنی قانون، خشونت را اعمال می‌کند؛ می‌نویسد که اگر فلان کسی این کار را کرد، او را به زندان ببر یا به زندان بفرست. خشونت است، اما این خشونت بد نیست... یک خشونت هم خشونت غیر قانونی است. مثلاً یک نفر بیجا، خودسر، خود رأی، بر طبق میل خود، بر خلاف قانون و بر خلاف دستور، نسبت به کسی اعمال خشونت می‌کند؛ یک سبلی به گوش کسی می‌زند، آیا این خوب است یا بد است؟ معلوم است که بد است. در این شکلی نیست. (بیانات و ه‌ر معظم ایران، در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹ شمسی)

۱. این اثر در ۵۶۰ صفحه در قطع وزیری، توسط انتشارات برگزیده و محدث، در تیراژ دو هزار جلد شومیز و دو هزار جلد گالینگور، به سال ۱۳۸۰ شمسی در شهر قم منتشر شد.

آگاهانه به جان خریدند. پیشتازان انقلاب اسلامی در طول حیات خود، منشأ خدمات و تأثیرات مفیدی برای پیشبرد مبارزه بوده‌اند. اهتمام جناب آقای کاظم مقدم به تهیه و تنظیم بخشی از تاریخ آموزنده انقلاب اسلامی و شرح حال زندگی شهید حاج صادق امانی با همکاری و همراهی هم‌زمان این شهید بزرگوار، اقدامی شایسته و در نوع خود، درخور تقدیر و تشکر است.

امیدوارم این کتاب بتواند برای آشنایی بیشتر محققان و علاقمندان به تاریخ مبارک مردم ایران، مفید و مؤثر، و در معرفی چهره واقعی شخصیت‌های مبارز تاریخ انقلاب اسلامی، به ویژه در جمعیت مؤتلفه اسلامی موفق وثمر ثمر باشد. اکبر هاشمی رفسنجانی

پس از انتشار کتاب، سبباً مورد توجه عده‌ای از محققین واقع، و در برخی مقالات و کتب، به عنوان مرجع و منبع مطرح شد. در این میان، دوست دانشمند، جناب دکتر رسول جعفریان، به بنده اعلام کردند که، نام کتاب، ناسیبت، به همین منظور، با اینکه خیلی دلخوش به تغییر نام نبودم، در چاپ دوم تا نیمه^۱ این کتاب، عنوان روی جلد اثر با همان مطالب قبلی، به «سرنوشت منصور» تغییر یافت.

نکته قابل توجه درباره آن اثر منتشر شده این است که، در سال ۱۳۷۹ که حقیر مشغول تهیه و تدوین کتاب «خسوث قانونی»^۲ بودم، هنوز منابع و اسناد تاریخی نهضت امام خمینی (ره) به خوبی و وفور منتشر و در دسترس نبود. تعداد بسیار کمی از کتاب‌های اسناد و خاطرات افراد دخیل در انقلاب و وقایع پیش از انقلاب، چاپ شده بود؛ بنابراین، چاپ اول کتاب «خسوث قانونی» یا همان «سرنوشت منصور» (که پنج چاپ از آن منتشر شد)، آنچه بود که موجود بود؛ و به نظر می‌رسد بیشتر طبق میل و اهداف و منقولات اعلامی اعضای هیئت مؤتلفه اسلامی در برخی مصاحبه‌ها و اسناد

۱- چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۱؛ چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۱؛ چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۲؛ چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۲ توسط دو انتشارات محدث و قدس منتشر شد.

محدود کنترل شده توسط آنان، پیش رفت؛ نه آنچه واقعیت کامل ماجرای ترور حسنعلی منصور بود و باید باشد.

- در سال ۸۵-۸۶ دوباره حسی یار شد و پیگیر اسناد و مدارک و منابع متنوع منتشر شده جدید در این سالهای پس از ۱۳۷۹ شدم، وجود این اسناد جدید و نسبتاً فراوان، سبب تغییراتی در نتایج^۱ و به تبع آن، اصلاحاتی در آن کتاب می‌گشت. براین اساس در سیمینم مقاله‌ای را، به جبران نقص و کمبودهای گذشته کتاب، در نقد کتاب خودم با توجه به منابع جدید بنویسم، که مشغله درسی و کاری مانع انجام آن شد. در سال ۱۳۸۰ به علت نایاب شدن کتابم، فرزند شهید حاج صادق امانی، از حقیر تقاضا کردند که مناسب کتاب «خشونت قانونی» یا همان «سرنوشت منصور چهار چاپ بعدی»^۲ تجدید چاپ شود. تا در دسترس مردم باشد. به ایشان عرض کردم اگر علاقمندید که کتاب تجدید چاپ شود، لازم است، اضافاتی و اصلاحاتی به آن ملحق شود؛ و تغییراتی نیز در نتایج حاصل شود؛ ایشان موافقت نمودند.

۵۶۵

- این پیشنهاد، انگیزه‌ای شد برای سام به کار و پژوهش جدید برای ویرایش دوم کتاب «خشونت قانونی» یا همان «سرنوشت»^۳ مور. در همین زمان بود که یاد تحریر آن مقاله «نقد کتاب خودم» افتادم؛ برای آنکه آن را نیز به سیمین کتاب بیوست نمایم، دو دل بودم. به همین مناسبت فرصتی دست داد، خدمت یکی از برگزارکنندگان، یعنی جناب حاجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، رسیدم و پیرامون موضوع بیوست آن مقاله انتقادی، مشورت نمایم. ایشان این کار را مناسب ندیدند؛ و نقل به قصه کردند که: «بالاخره برادران هیئت مؤتلفه اسلامی، جزء انقلاب هستند و صدمه دیدن آن‌ها از این ناحیه، درست نیست.» بنابراین، برای اینکه مشورت مشفقانه ایشان نیز مدنظر باشد، تصمیم گرفتم از تحریر آن مقاله نقد و نیز نقدهای تند وارده دیگر، پرهیز کنم و سعی

۱- مثلاً عوامل مؤثر و نهایی ترور حسنعلی منصور از اعضای هیئت مؤتلفه به اعضای نهضت آزادی تغییر یافت. همچنین فتوی‌ای ترور منصور که تصور می‌رفت از سوی آیت الله میلانی صادر شده است، مورد خنده و بظان واقع شد و معلوم گشت که این ترور، پشتیبانه شرعی و فقهی در سطح مرجعیت شیعه را دارا نیست؛ و مراجع معظم تقلید و مخصوصاً حضرت امام خمینی (ره) با این اقدام مخالف بوده‌اند.

نمودم، تنها به گزارش وقایع از قول گویندگان آن‌ها در کتاب حجیم جدید، اکتفا کنم.
- بر این اساس، ویرایش دوم کتاب «خشونت قانونی» یعنی پژوهش جدیدم، که
دوباره به مدت شش ماه بی‌وقفه به طول انجامید، در واقع مجموعه‌ای است از اسناد و
دارک - خاطرات جدید کتاب‌ها و افراد، پیرامون یکی از وقایع سرنوشت‌ساز نهضت
اسلامی امام خمینی (ره) که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، تا آن‌ها خود خواننده و
صاوت‌کننده واقعیات باشند.

از روی بگوشی از مطالب زیر نیز در پژوهش جدید آشکار شد:
- صورت امام خمینی مخالف سرسخت اقدامات تروریستی مؤتلفه بوده است.
- هیچ‌کس از راجع تقلید، فتوایی برای ترور حسنعلی منصور صادر نکرده‌اند.
- حاکم شاه از شرکت‌های مسلحانه گروه مؤتلفه اطلاع داشته است.
- گروه مجاهدین با اجرای ترور اصلی ترور منصور می‌باشند، هیچ‌گونه ارتباط
تشکیلاتی و... با هیئت مؤتلفه نداشته، بلکه عضو تشکل نهضت آزادی ایران
بوده‌اند.
- شورای روحانیت هیئت مؤتلفه را به افتخار گروه مؤتلفه می‌باشد (ارتباط
جزئی با این گروه داشته‌اند و حد اکثر سه تن از پنج نفر آنها، ارتباطی مؤثری با گروه
مؤتلفه نداشته‌اند).
و...

این پژوهش جدید، که گزیده تاریخ معاصر ایران با تأکید بر وقایع سال ۶۳، بود،
در چهار مجلد با نام‌های زیر آماده شد:
جلد اول:

قانون منحوس (از سلطنت محمد رضا پهلوی تا تصویب قانون
کاپیتولاسیون) ۶۲۰ صفحه، مصور.
جلد دوم:

خشونت قانونی (از ماجرای ترور منصور تا پیروزی امام خمینی) ۶۸۸
صفحه، مصور.

جلد سوم:

سرنوشت منصور (سرنوشت مؤتلفه اسلامی و منصور به روایت ساواک و شهربانی) ۵۹۰ صفحه، مصور.

جلد چهارم:

خاطرات و مقالات (ضمایم و پیوست‌ها، پیرامون ترور حسنعلی منصور و نیز اشعار حاج صادق امانی) ۴۸۰ صفحه، مصور.

باب و سر این چهار جلد که مجموعاً حدود ۲۴۰۰ صفحه می‌شدند را، به انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) پیشنهاد دادم. این چهار جلد کتاب مورد بررسی آن‌ها قرار گرفت، ولی نهایتاً نظرشان این بود که حجم کتاب‌ها زیاد است و مناسب است که از حجم تعداد مجلدات و نیز مطالب و تصاویر کتاب کاسته شود.

بنده به اکراه پذیر این کتاب را در دو جلد، با مشخصات ذیل تنظیم نمودم: جلد اول، خوشنویسانان انقلاب، محمد رضا پهلوی نا پیروزی امام خمینی) ۷۸۸ صفحه، مصور.

جلد دوم: سرنوشت منصور (سرنوشت مؤتلفه اسلامی و منصور به روایت ساواک و شهربانی) ۷۲۵ صفحه، مصور.

این دو مجلد، در سال ۱۳۹۰ شمسی، در تیر دو هزار و نه تیر، توسط نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) منتشر و در بازار کتاب عرضه شد.^۱

اکنون پس از شش سال از چاپ دو جلدی کتابم توسط نشر عروج، به نهم رسید که هم مناسب است برای استفاده محققین و علاقمندان به تاریخ انقلاب، آن چهار مجلد ۲۴۰۰ صفحه‌ای منتشر و در اختیار پژوهشگران تاریخ انقلاب قرار داده شود، و هم مناسب است خلاصه‌ای از دو مجلد منتشر شده قبلی را، برای استفاده عمومی مردم و علاقمندان به تاریخ انقلاب، و نیز برای اطلاع آنان از برخی حقایق منحرف شده، تنظیم

۱- چون در روی طرح جلد ذکر ویرایش دوم فراموش شده بود، محققین، کتابخانه‌ها و موسسات تحقیقاتی، تصور نمودند که این همان کتاب قبلی است، و از خرید و تهیه کتاب ویرایش جدید، غافل شدند.

و منتشر نمایم. به همین منظور، دو عنوان اثر خلاصه و مقتبس از آثار قبلی، با عناوین زیر تهیه و تنظیم نمودم:

۱- نهضت آزادی و ترور حسنعلی منصور، ۳۳۲ صفحه غیر مصور.

۲- فتوای ترور منصور، ۱۸۴ صفحه مصور.

امیدوارم این کتاب‌ها بتوانند برای آشنایی بیشتر علاقمندان به تاریخ مبارزات مردم ایران، مفید و مؤثر، و در معرفی چهره واقعی شخصیت‌های مبارز تاریخ انقلاب اسلامی، و به یادآوردن آنها، موفق و شمر ثمر واقع شوند.

هر چند که ممکن است نشر این کتاب‌ها، برای برخی افراد خوشایند نباشد؛ پیشاپیش بخشش آن، طلب می‌کنم. اما اگر همه خوانندگان علاقه‌مند به وقایع تاریخی، با استقلال رأی نسبت به آثار مؤلفین مستقل بنگرند، واضح است که می‌پذیرند، ایشان خصوصیتی با نقش آفرینان تاریخ انقلاب ندارند و اگر خطایی در نقل مستندات نداشته باشند، نفعی نیز در نشر واژه مطالب، عایدشان نخواهد شد؛ و شاید تنها به قصد کشف حقیقت از لابلای اسناد تاریخی، بر موضوعی خاص شکاری می‌کنند.

مثلاً؛ اگر حضرت امام (ره) موافق ترور حرکت‌های مسلحانه باشند و یا موافق نباشند؛ نفع نویسنده‌ای مستقل در این موضوع، چیزی نمی‌تواند باشد، تا بخواهد تاریخ را به دلخواه خود تغییر دهد؟ و یا اگر حضرت آیت‌الله میلانی، فتوای ترور حسنعلی منصور را صادر نکرده باشد و یا اصلاً موافق آن نباشد، نفعی نمی‌تواند برای مؤلف در نظر گرفت، تا قصد انحراف وقایع تاریخی را داشته باشد؟ و نیز اگر ترور حسنعلی منصور، کار اعضای نهضت آزادی باشد و نه هیئت مؤتلفه، چه عاید می‌شود برای مؤلف دارد؟ معمولاً مؤلفان بی‌طرف و مستقل، جز انتقال اسناد و خاطرات به خوانندگان، نمی‌توانند هدف دیگری را دنبال کنند.

البته با نگاهی واقع‌بینانه می‌توان فهمید که، سیر ثبت وقایع تاریخی در زمانهای مختلف، یکسان نمی‌ماند تا احیاناً برخی با تحلیل‌های خاص خود بتوانند آن را به دلخواه خود طرح و ضبط نمایند. بنابراین، دیگر افراد و انقلابیون نیز می‌توانند، خاطرات و

نظرات خود را مطرح و منتشر نمایند. همانگونه که تا سی سال پس از انقلاب، برخی افراد اندک، حرکت‌های مسلحانه و حتی موافقت ترور منصور را منسوب به حضرت امام خمینی (ره) نموده‌اند و می‌نمایند، اکنون نیز که برخی حقایق برهنه شده است، شاید به دور از انصاف باشد که دیگران نتوانند در نشر این حقایق اهتمام بورزند.^۱

در اینجا از همه منتقدین گرامی و عزیز، تقاضا دارم اگر اسناد و مدارک قابل توجهی در دست دارند، که می‌تواند نشر آنها، باعث بهتر روشن شدن و با احیاناً تغییر در تاریخ حادثه از این نوشتار گردد، لطف نموده و این اسناد را منتشر و یا در اختیار نویسنده این کتاب قرار دهند. در چاپ‌های بعدی ضمن تصحیح کتاب، به نام خود آن عزیزان منتشر نمایم.

یادآوری چند نکته

۱- در فراهم شدن هر چه کامل‌تر این اثر، تلاش زیادی صورت گرفته است، با این همه، تردیدی نداریم که در آن، کاستی‌هایی خواهد بود. روشن است که در چاپ‌های بعد فرصتی خواهد بود برای کامل‌تر شدن این اثر، به هر حال، هر یادآوری‌ای از سوی خوانندگان و پژوهشگران تاریخی، مشارکتی است بسیار پربارنگار در جهت زدودن کاستی‌ها و افزودن دست‌آوردهای مثبت این اثر.

۲- دامنه مبارزات، بی‌تردید گسترده‌تر از آن است که در این مجموعه‌ها آورده شود؛ بنابراین مطالبی که در این مجموعه گردآوری شده، تنها نمایی از اسناد و فعالیت‌ها و مبارزات آن انقلابیون و شهیدان والامقام می‌باشد، که از دید ما پنهان نمانده است؛ و همچنین تمامی اقدامات و تلاشهایی که حاج صادق امانی و هم‌زمان اردر جید

۱- به نظر می‌رسد که اگر حرف‌ها در همین زمان بیان شود، لاف‌زن همه عزیزان زنده انقلابی از نعمت پاسخگویی برخوردارند؛ اما اگر این نظرات و تحلیل‌ها در سالهایی که پاران انقلاب در میان نیستند، مطرح گردد؛ شاید اتهامات فراوانی بر آن افزوده شود که دیگر کسی را یاری پاسخگویی به آن‌ها نباشد.

۲- ادم از کسانی که در جریان مستقیم ترور حسینی منصور قرار داشته‌اند و گفته‌هایشان می‌تواند به نوعی، مدرک تاریخی باشد؛ و نیز آنانی که در آن زمان، نوجوانی کم سن و سال بوده‌اند و با اطلاعات دست دوم و بر اساس شنیده‌ها، می‌خواهند تحلیل‌های خاص خود را ارایه دهند.

سال آخر عمر خویش نموده‌اند برای ما قابل دسترسی کامل نبوده است؛ و این نوشتار توان انعکاس عظمت روحی این شهیدان را ندارد، اما حداقل می‌تواند بخشی از حقایق را آشکار نماید و تصویری هرچند کوچک از سازش‌ناپذیری و اسلام‌خواهی مورد نظر آنان را به خواننده ارائه نماید.

۳- در بخشهای گوناگون از شخصتهای بسیاری نام برده شده است، که ناگزیر از رج القاب و عناوین غافل ماندیم؛ که این عزیزان از بزرگی خویش، نادیده می‌انگارند. ۴- صورت‌گیری از شخصیت‌ها و چهره‌های اثرگذار در این جریانات، می‌توانست در بیان تر شدن زوایای تاریخ گذشته، مؤثر باشد. اما از آنجا که مصاحبه و خاطره‌پردازی بایسته برای این زمینه، نیاز به زمانی نسبتاً طولانی و افرادی متعدد و هزینه زیاد دارد، ناگزیر اصل حاضر را بر غیر از چند مورد از آن چشم پوشیدیم.

۵- از آنجا که اثر بااسلامی به عنوان یک نهضت تاریخی بزرگ، مورد نظر محققان و اندیشمندان قرار داد، نشر، فایع و مبارات مردم و رهبران این نهضت اسلامی، قدمی است در جهت روشن شدن زوایای پنهان این معجزه تاریخی. بنابراین، امید است در سایه نشر و مطالعه شرح این وقایع و رزات، دوستان انقلاب و اهل تحقیق به تلاشهای خالصانه و شجاعانه شهدای نهضت - ایستان که از زندان، تبعید، شکنجه و شهادت نهراسیدند و خطر ها را به جان و دل خریدند - و عمر خود را در مقاطع حساس تاریخ معاصر ایران و در شرایط سخت و دشوار سیاسی - اجتماعی، صرف مبارزه با حکومت پهلوی نمودند، واقف گردند. با این هدف، مؤلف تصمیم به انتشار این مجموعه نموده، که چشم‌پوشی بزرگان را - در ملاحظه این اثر - طلب می‌کند.

الف - اگر در رد و نقض و اصلاح مطلبی، از شما خواننده گرامی یا از دانشمندان سندی تازه به دست آید، آن مطلب را در چاپ بعد اصلاح می‌کنیم.

ب - می‌توانید نظرات و تحلیل‌های خود پیرامون مطلبی را در چند سطر، در جواب آن مطلب، بنویسید تا در پاورقی‌های کتاب در چاپ‌های بعد، از قول شما ثبت و ضبط گردد.

۶- در پایان از همه بزرگان و سرورانی و افرادی که احیاناً به واسطه این تحقیق به آن‌ها سهواً بی‌احترامی شده است و یا نام و ذکر آن‌ها با کرامت برده نشده است،

عذرخواهی می‌کنم و امید واسع دارم که به بزرگواری خود، حقیر را ببخشند. هر چند که
با توجه به مناسبات دوستی، اخلاقی و محدودرات مولایی و ارشادی دیگر، بسیاری از
معايب کتاب را، چندین بار بازنگری و ملایم و آرام نمودم.

کاظم استادی مقدم

۹۶/۰۳/۱۵

www.Ketab.ir